

بِسْمِ اللّٰهِ  
الرَّحْمٰنِ  
الرَّحِیْمِ

# قانونه یار حقوق تجارته

مؤلف: وحید امینی

انتشارات چتر دانش



- سرشناسه
- عنوان و نام پدیدآور
- مشخصات نشر
- مشخصات ظاهری
- شابک
- وضعیت فهرست‌نویسی
- یادداشت
- موضوع
- موضوع
- موضوع
- رده بندی کنگره
- رده بندی دیویی
- شماره کتابشناسی ملی



- نام کتاب
- ناشر
- مؤلف
- نوبت و سال چاپ
- شمارگان
- شابک
- قیمت

امینی، وحید، ۱۳۶۲ -  
 قانون یار حقوق تجارت/مولف وحید امینی  
 تهران: چتر دانش، ۱۳۹۴.  
 ۸۲۹ص.  
 ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۰۲۶-۷  
 فیپا  
 چاپ یازدهم.  
 دانشگاه‌ها و مدارس عالی -- ایران -- آزمون‌ها  
 حقوق تجارت -- ایران -- آزمون‌ها و تمرین‌ها (عالی)  
 حقوق تجارت -- ایران -- راهنمای آموزشی (عالی)  
 LB۲۳۵۳  
 ۳۷۸/۱۶۶۴  
 ۳۹۸۳۰۶۷

قانون یار حقوق تجارت  
 چتر دانش  
 وحید امینی  
 بیست و سوم - ۱۳۹۸  
 ۲۰۰۰  
 ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۰۲۶-۷  
 ۸۰۰۰۰ تومان

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خم‌نیری جاوید (اردیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳

[nashr.chatr@gmail.com](mailto:nashr.chatr@gmail.com)

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.





## سخن ناشر

رشته حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله یکی از پرتعدادترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند. این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این‌ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آن‌ها از یک سو و تناسب آن‌ها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

**مؤسسه آموزش عالی آزاد چتردانش**، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت‌گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه علمی بیش از پیش به منصفی ظهور برساند.

فرزاد دانشور

مدیر مسئول انتشارات چتر دانش



۸	قانون تجارت (مصوب ۱۳۱۱ کمیسیون قوانین عدلیه با اصلاحات بعدی)
۸	باب اول: تجار و معاملات تجاری
۳۰	باب دوم: دفاتر تجاری و دفتر ثبت تجاری
۳۰	فصل اول: دفاتر تجاری
۴۳	قوانین مرتبط
۴۸	فصل دوم: دفتر ثبت تجاری
۴۹	نظامنامه ماده ۱۹ قانون تجارت مصوب ۱۳۸۰
۵۱	باب سوم: شرکت‌های تجاری
۵۱	فصل اول: در اقسام مختلفه شرکت‌ها و قواعد راجعه به آنها
۵۱	لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت (مصوب ۱۳۴۷ - کمیسیون خاص مشترک
۵۳	مجلسین)
۵۳	مبحث اول: شرکت‌های سهامی
۵۳	بخش اول: تعریف و تشکیل شرکت سهامی
۷۶	بخش دوم: سهام
۹۲	بخش سوم: تبدیل سهام
۹۳	بخش چهارم: اوراق قرضه
۱۰۴	قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت
۱۰۷	آیین‌نامه اجرایی قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت
۱۱۲	بخش پنجم: مجامع عمومی
۱۴۲	بخش ششم: هیات مدیره
۱۸۴	بخش هفتم: بازرسان
۱۹۲	بخش هشتم: تغییرات در سرمایه شرکت
۲۱۶	بخش نهم: انحلال و تصفیه
۲۳۱	بخش دهم: حساب‌های شرکت
۲۳۵	بخش یازدهم: مقررات جزایی
۲۴۰	بخش دوازدهم: مقررات مختلف مربوط به شرکت‌های سهامی
۲۵۲	مبحث دوم: شرکت با مسئولیت محدود
۲۸۳	مبحث سوم: شرکت تضامنی
۳۰۸	مبحث چهارم: در شرکت مختلط غیرسهامی
۳۱۳	مبحث پنجم: شرکت مختلط سهامی
۳۱۵	مبحث ششم: شرکت نسبی
۳۲۳	مبحث هفتم: شرکت‌های تعاونی تولید و مصرف
۳۲۶	فصل دوم: در مقررات راجعه به ثبت شرکت‌ها و نشر شرکتنامه‌ها
۳۲۹	قانون راجع به ثبت شرکت‌ها (مصوب ۲ خرداد ماه ۱۳۱۰ شمسی)
۳۳۲	فصل سوم: در تصفیه امور شرکتها
۳۳۷	فصل چهارم: مقررات مختلفه

۳۴۱.....	باب چهارم: برات، فته طلب، چک
۳۴۱.....	فصل اول: برات
۳۴۱.....	مبحث اول: صورت برات
۳۵۶.....	مبحث دوم: در قبول و نکول
۳۶۹.....	مبحث سوم: در قبولی شخص ثالث
۳۷۰.....	مبحث چهارم: در وعده برات
۳۷۳.....	مبحث پنجم: ظهرنویسی
۳۷۹.....	مبحث ششم: مسئولیت
۳۹۶.....	مبحث هفتم: در پرداخت
۴۰۶.....	مبحث هشتم: تأدیه وجه برات به واسطه شخص ثالث
۴۰۹.....	مبحث نهم: حقوق و وظایف دارنده برات
۴۲۱.....	مبحث دهم: در اعتراض (پروتست)
۴۲۳.....	مبحث یازدهم: برات رجوعی
۴۲۶.....	مبحث دوازدهم: قوانین خارجی
۴۲۷.....	فصل دوم: در فته طلب (سفته)
۴۳۹.....	فصل سوم: چک
۴۵۶.....	<b>قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵ با اصلاحات و الحاقات ۱۳۷۲، ۱۳۸۲ و ۱۳۹۷.....</b>
۵۰۱.....	فصل چهارم: در مرور زمان
۵۰۶.....	باب پنجم: اسناد در وجه حامل
۵۰۹.....	باب ششم: دلالی
۵۰۹.....	فصل اول: کلیات
۵۱۹.....	فصل دوم: اجرت دلال و مخارج
۵۲۵.....	فصل سوم: دفتر
۵۲۶.....	<b>قانون راجع به دلالتان مصوب ۷ اسفندماه ۱۳۱۷.....</b>
۵۳۰.....	باب هفتم: حق العمل کاری (کمسیون)
۵۴۸.....	باب هشتم: قرارداد حمل و نقل
۵۷۳.....	باب نهم: قائم مقام تجار تی و سایر نمایندگان تجار تی
۵۷۷.....	باب دهم: ضمانت
۵۸۴.....	باب یازدهم: در ورشکستگی
۵۸۴.....	فصل اول: در کلیات
۵۸۸.....	فصل دوم: در اعلان ورشکستگی و اثرات آن
۶۱۵.....	فصل سوم: در تعیین عضو ناظر
۶۱۶.....	فصل چهارم: در اقدام به مهر و موم و سایر اقدامات اولیه نسبت به ورشکسته
۶۱۹.....	فصل پنجم: در مدیر تصفیه
۶۲۰.....	فصل ششم: در وظایف مدیر تصفیه
۶۲۰.....	مبحث اول: در کلیات
۶۲۳.....	مبحث دوم: در رفع توقیف و ترتیب صورت دارایی

۶۲۳	مبحث سوم: در فروش اموال و وصول مطالبات
۶۲۵	مبحث چهارم: در اقدامات تأمینیه
۶۲۵	مبحث پنجم: در تشخیص مطالبات طلبکارها
<b>۶۲۶</b>	<b>نظامنامه امور ورشکستگی قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱</b>
۶۳۱	فصل هفتم: در قرارداد ارفاقی و تصفیه حساب تاجر ورشکسته
۶۳۱	مبحث اول: در دعوت طلبکارها و مجمع عمومی آنها
۶۳۲	مبحث دوم: در قرارداد ارفاقی
۶۳۲	فقره اول: در ترتیب قرارداد ارفاقی
۶۴۱	فقره دوم: در اثرات قرارداد ارفاقی
۶۴۳	فقره سوم: در ابطال یا فسخ قرارداد ارفاقی
۶۵۱	مبحث سوم: در تفریغ حساب و ختم عمل ورشکستگی
۶۵۵	فصل هشتم: در اقسام مختلفه طلبکارها و حقوق هر یک از آنها
۶۵۵	مبحث اول: در طلبکارهایی که رهینه منقول دارند
۶۵۶	مبحث دوم: در طلبکارهایی که نسبت به اموال غیرمنقول حق تقدم دارند
۶۵۸	فصل نهم: در تقسیم بین طلبکارها و فروش اموال منقول
۶۵۹	فصل دهم: در دعوی استرداد
۶۶۷	فصل یازدهم: در طرق شکایت از احکام صادره راجع به ورشکستگی
<b>۶۷۰</b>	<b>باب دوازدهم: در ورشکستگی به تقصیر و ورشکستگی به تقلب</b>
۶۷۰	فصل اول: در ورشکستگی به تقصیر
۶۷۷	فصل دوم: در ورشکستگی به تقلب
۶۷۹	فصل سوم: در جنبه و جنایاتی که اشخاص غیر از تاجر ورشکسته در امر ورشکستگی مرتکب می‌شوند
۶۸۲	فصل چهارم: در اداره کردن اموال تاجر ورشکسته در صورت
۶۸۲	ورشکستگی به تقصیر یا به تقلب
<b>۶۸۳</b>	<b>باب سیزدهم: در اعاده اعتبار</b>
۶۹۰	باب چهاردهم: اسم تجاری
۶۹۶	باب پانزدهم: شخصیت حقوقی
۶۹۶	فصل اول: اشخاص حقوقی
۷۰۱	فصل دوم: حقوق و وظایف و اقامتگاه و تابعیت شخص حقوقی
۷۰۴	باب شانزدهم: مقررات نهایی
<b>۷۰۵</b>	<b>قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی مصوب ۱۳۱۸</b>
۷۰۵	مبحث اول: سازمان اداره تصفیه
۷۰۸	مبحث دوم: اقدامات تأمینیه اداره تصفیه
۷۱۰	مبحث سوم: دعوت بستانکاران
۷۱۲	مبحث چهارم: اداره اموال
۷۱۳	مبحث پنجم: رسیدگی به مطالبات
۷۱۳	مبحث ششم: تصفیه
۷۱۶	مبحث هفتم: تقسیم وجوه حاصله از فروش

۷۱۷	.....	مبحث هشتم: خاتمه ورشکستگی
۷۱۷	.....	مبحث نهم: مقررات مالی
۷۱۸	.....	مبحث دهم: مقررات مخصوص
۷۲۹	.....	سوالات متفرقه
۷۳۵	.....	ضمائم
۷۳۵	.....	۱. تکالیف عام تجار
۷۳۶	.....	۲. سهام
۷۴۰	.....	۳. مجامع عمومی
۷۴۴	.....	۴. هیات مدیره و مدیران
۷۵۱	.....	۵. بازرس
۷۵۴	.....	۶. تغییرات در سرمایه شرکت
۷۶۰	.....	۷. حسابهای شرکت
۷۶۲	.....	۸. قبولی، ظهرنویسی و نکول
۷۶۶	.....	سوالات آزمون وکالت ۹۶
۷۷۰	.....	پاسخنامه سوالات آزمون وکالت ۹۶
۷۷۳	.....	سوالات آزمون وکالت کرمانشاه ۹۶
۷۷۷	.....	پاسخنامه سوالات آزمون وکالت کرمانشاه ۹۶
۷۷۸	.....	سوالات آزمون دکتری سراسری ۹۶
۷۸۴	.....	پاسخنامه سوالات آزمون دکتری سراسری ۹۶
۷۸۷	.....	سوالات آزمون کارشناسی ارشد سراسری ۹۶
۷۹۱	.....	پاسخنامه سوالات آزمون کارشناسی ارشد سراسری ۹۶
۷۹۲	.....	سوالات آزمون قضاوت شوراها حل اختلاف ۹۶
۷۹۷	.....	پاسخنامه سوالات آزمون قضاوت شوراها حل اختلاف ۹۶
۷۹۸	.....	سوالات آزمون قضاوت ۹۶
۸۰۳	.....	پاسخنامه سوالات آزمون قضاوت ۹۶
۸۰۵	.....	سوالات آزمون دکتری حقوق خصوصی سراسری ۹۷
۸۱۲	.....	پاسخنامه سوالات آزمون دکتری حقوق خصوصی سراسری ۹۷
۸۱۴	.....	سوالات آزمون کارشناسی ارشد سراسری ۹۷
۸۱۸	.....	پاسخنامه سوالات آزمون کارشناسی ارشد سراسری ۹۷
۸۱۹	.....	سوالات آزمون قضاوت ۹۷
۸۲۲	.....	پاسخنامه سوالات آزمون قضاوت ۹۷
۸۲۳	.....	سوالات آزمون وکالت ۹۷
۸۲۸	.....	پاسخنامه سوالات آزمون وکالت ۹۷
۸۲۹	.....	بخشنامه صادره از بانک مرکزی درخصوص شرایط صدور و استفاده از چک‌های تضمین شده مورخ ۱۳۹۷/۹/۱۱

## قانون تجارت

(مصوب ۱۳۱۱/۲/۱۳ کمیسیون قوانین عدلیه با اصلاحات بعدی)

### باب اول: تجار و معاملات تجاری

ماده ۱- تاجر کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجاری قرار بدهد.

#### نکته ۱- تاجر کیست؟

۱- تاجر در ماده ۱ با شاخص "کس" مورد اشاره قرار گرفته است اما به اتفاق تمام حقوقدانان بهتر بود که قانونگذار به جای واژه کس از واژه شخص استفاده می‌کرد تا هم شامل تجار حقیقی (انسان) باشد هم شامل تجار حقوقی (شرکتهای تجاری)؛ پس تاجر می‌تواند شخص حقوقی یا شخص حقیقی باشد.

۲- تاجر به شخصی گفته می‌شود که اعمال تجاری (که عموماً در ماده ۲ قانون تجارت مذکور هستند) را شغل معمولی خود قرار دهد و بدیهی است که هر زمان بخواهد می‌تواند از این شغل کناره‌گیری کند ولی در زمانی که به تجارت مشغول است لازم است که امرار معاش وی از طریق تجارت باشد.

۳- تاجر باید اعمال تجاری را به نام و حساب خود انجام دهد به نحوی که خود متحمل سود و زیان آن باشد. در ادامه این ضابطه را در ارتباط با برخی مشاغل تحلیل می‌کنیم.

**الف- مدیران شرکت:** از آنجایی که مدیران شرکت به نام و حساب شرکت معامله می‌کنند؛ لذا مدیران شرکت تاجر نیستند.

**ب- دلال:** این شخص تاجری است که برای اشخاصی که قصد دارند معامله کنند طرف معامله پیدا می‌کند و واسطه انعقاد معامله بین آنها می‌شود ولی خود طرف معامله نیست و دلیل اینکه تاجر محسوب می‌شود آن است که به نام و حساب خود دلالی می‌کند.

**ت- عامل:** قانون تجارت از عامل تعریفی ارائه نداده است اما حقوقدانان سه معیار متفاوت برای تشخیص عامل ارائه داده اند. اول آنکه عامل هرچند قابل عزل است اما اگر بطور ناموجه عزل شود می‌تواند از آمر جبران خسارتهای خود را مطالبه کند؛ دوم آنکه عموماً عامل از خود سرمایه دارد و در تامین سرمایه به آمر خود کمک می‌کند و سوم آنکه عامل به نام و حساب آمر معامله می‌کند. در میان این سه معیار معیار اخیر نمی‌تواند صحیح باشد؛ چرا که در این صورت تاجر بودن عامل زیر سوال می‌رود و این در حالی است که عامل طبق قانون تجارت تاجر است و اشتغال به تجارت منوط به آن است که به نام و حساب خود صورت گیرد به نحوی که شخص تاجر متحمل سود و زیان آن نوع تجارت گردد.

**ث- حق العمل کار:** طبق م ۳۵۷ ق.ت. حق العمل کار کسی است که به نام خود اما به حساب دیگری معامله می‌کند. برای مثال آمر به حق العمل کار دستور می‌دهد که برای وی ۱۰۰ عدل (بسته) پنبه بخرد، در این صورت حق العمل کار از فروشنده پنبه‌ها را می‌خرد و پنبه‌ها را به آمر در ازای حق العمل و هزینه‌های



صرف شده تحویل می‌دهد. در اینجا حق‌العمل‌کار در مقابل فروشنده اصیل است ولی در مقابل آمر وکیل و حکم ماده ۳۵۸ قانون تجارت که مقررات باب وکالت قانون مدنی را در صورت سکوت قانون تجارت حاکم می‌داند، صرفاً محدود به رابطه آمر و حق‌العمل‌کار است و رابطه حق‌العمل‌کار و فروشنده (اصیل) مشمول قانون مدنی نیست؛ چرا که حق‌العمل‌کار در مقابل فروشنده اصیل است (شخصاً متعهد به اجرای قرارداد است)؛ یعنی حق‌العمل‌کار نمی‌تواند به مسائل مربوط به رابطه قراردادی خود با آمر در مقابل فروشنده استناد کند.

**ج- قائم مقام تجاری:** قائم مقام تجاری به نام و حساب رییس تجارتخانه فعالیت می‌کند؛ لذا تاجر نیست.

**ح- مامور حمل و نقل:** در شغل تجاری حمل و نقل شخصی که تاجر و مشمول حقوق تجارت است، متصدی حمل و نقل است نه مامور حمل و نقل. برای مثال احمد به متصدی حمل و نقل ۱۰۰ عدل پارچه داده است تا آنها را از تهران به کرمانشاه منتقل نماید، متصدی حمل و نقل نیز برای این امر از ماموری استفاده می‌کند تا محموله را به وسیله کامیون به مقصد برساند، در این فرض شخصی که تاجر است، متصدی است نه مامور حمل و نقل؛ چرا که مامور حمل و نقل به قصد تجارت و به نام و حساب خود این ماموریت را انجام نمی‌دهد بلکه این متصدی است که به قصد تحصیل منفعت به تجارت می‌پردازد آن هم به نام و حساب خود.

**خ- اجزاء، خدمه و شاگرد تاجر:** اینان اشخاصی هستند که فرض می‌شود با تاجر دارای رابطه‌ی کاری هستند و هر آنچه که انجام می‌دهند به اذن تاجر (رییس) است؛ لذا به نام و حساب خود فعالیت نمی‌کنند و در نتیجه تاجر هم نیستند.

**د- اولیاء و قیم تاجر محجور:** فرض کنید که تاجری دیوانه شود، در این حالت اداره‌ی امور تجاری وی طبق قانون به همانند سایر امور وی به قیم سپرده خواهد شد، حال سوال این است که آیا قیم تاجر است یا تاجر دیوانه شده همچنان تاجر است؟

در پاسخ باید گفت که قیم به تجارت نمی‌پردازد؛ چرا که اولاً به نام و حساب خود فعالیت نمی‌کند؛ ثانیاً به اداره امور محجور می‌پردازد نه به تجارت. تاجر دیوانه شده هم تاجر نیست؛ چرا که تاجر بودن نیازمند قصد و اراده است که تاجر دیوانه شده آنها را ندارد؛ ثانیاً به دلیل اینکه در وصف تاجر بودن تاجر تردید جدی وجود دارد، نمی‌توان تاجر بودن وی را استصحاب کرد. بنابراین در فرض ما تاجر وجود ندارد اما **اداره امور تجاری** موضوعیت دارد و حدود وظایف قیم در چارچوب اداره امور تجاری تعریف می‌گردد. (مستند این نظریه وحدت ملاک از ماده ۴۰۰ قانون تجارت در باب قائم مقام تجاری است.)

**ذ- مدیر تصفیه:** هر گاه که تاجری ورشکسته شود، تاجر از مداخله در امور تجاری‌اش منع و اداره امور تجاری او به مدیر تصفیه واگذار می‌گردد. در این صورت، همانند حالت قبل مدیر تصفیه تاجر تلقی نمی‌شود؛ چرا که تمام مداخلاتی که انجام می‌دهد در راستای اداره امور تاجر ورشکسته است و خود شخصاً

به تجارت نمی‌پردازد.

### نکته ۲- نحوه احراز تاجر بودن:

- ۱- احراز تاجر بودن یا نبودن یک شخص اساساً با دادگاه است.
۲. هیچ دلیلی که بطور قطع دلالت بر تاجر بودن شخصی کند، وجود ندارد و تمام ادله‌ای که در حقوق تجارت در این باب وجود دارد، ظنی الدلاله و موردی می‌باشند که در ادامه اهم آنها را نام برده و برخی از آنها را توضیح می‌دهیم:

#### الف- داشتن دفاتر تجاری

ب- ثبت نام تاجر در دفتر ثبت تجاری

ت- استفاده از اسناد تجاری مانند برات، سفته و چک.

ث- داشتن پروانه بازرگانی.

ج- گردش سرمایه بالا.

ح- داشتن برگ تشخیص مالیات مشاغل.

خ- سایر اوراق و اسناد

- د- شهادت دیگران بر اشتغال شخص به تجارت: ترتیب اثر دادن به شهادت دیگران مبنی بر اینکه شخصی به تجارت مبادرت ورزیده است در هر حال منوط به اقناع وجدانی قاضی و برآورده شدن سایر مقضیات و مفقود بودن برخی موانع است؛ چرا که ممکن است شخص مذکور آن فعالیت را به نام و حساب دیگری انجام داده باشد و شاهد صرفاً ناظر امر مادی بوده و از قصد و اراده شخص مطلع نباشد.
- ذ- اقرار: تاجر می‌تواند اقرار به انجام دادن تجارت کند اما در این صورت تاجر بودن وی منوط به احراز شرایط از جانب قاضی است.

### نکته ۳- آثار تاجر بودن:

- ۱- تاجر مکلف به تکالیف عام تجار است. این تکالیف عام عبارتند از:
  - الف- داشتن دفاتر تجاری قانونی
  - ب- ثبت نام در دفتر ثبت تجاری
  - ت- اعلام توقف و ورشکستگی حسب مورد.
- ۲- بدیهی است که تنها تاجر می‌تواند موصوف به وصف ورشکسته شود؛ از این رو، سایر اشخاص غیرتاجر در صورت ناتوانی در پرداخت دیونشان معسر می‌گردند نه ورشکسته.
- ۳- قانون تجارت در ماده ۳ ق.ت. برخی از معاملات تجاری تبعی را ذکر کرده است. به همین خاطر اثر دیگر تاجر بودن شخص، موضوعیت یافتن ماده ۳ قانون تجارت است.
- ۴- اصل آن است که اعمال و فعالیت‌های اشخاص بطور کلی تجاری نیستند اما در باب تجار طبق ماده ۵ ق.ت. فرض بر آن است که کلیه معاملات تجار، تجاری است مگر اینکه ثابت شود که معامله مربوط به

امور تجارتي نبوده است.

#### نکته ۴- محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های اشتغال به تجارت

۱- اشتغال به تجارت اصولاً نیازمند کسب مجوز و طی تشریفات نیست و این دلالت بر اصل آزادی تجارت دارد اما در دنیای مدرن برای تنظیم امور، تجار به‌موجب قانون مکلف به اجرای تکالیفی شده‌اند که تکالیف عام و خاص تجار نام دارند. برای مثال مبادرت به دلالتی به‌موجب قانون دلالان مصوب ۱۳۱۷ منوط به داشتن پروانه دلالتی است. به علاوه این تکالیف، بطور استثنایی و طبق سیاست‌های دولتی ممکن است که اشتغال به برخی معاملات تجارتي موقتاً یا دائماً برای برخی از اشخاص ممنوع یا محدود شده باشد که در ادامه چند نمونه از این محدودیت‌ها و ممنوعیت‌ها ذکر می‌گردد:

**الف- ممنوعیت‌های شخصی:** این نوع محدودیت‌ها و ممنوعیت‌ها به خاطر ویژگی‌های اشخاص اعم از بیگانه یا کارمند دولت بودن و ... وضع می‌گردد.

**الف-۱) ممنوعیت اشخاص ایرانی:** اشخاص ایرانی ممکن است **مطلقاً** از تجارت محروم باشند؛ مانند قضات و سردفتران یا بطور **نسبی (محدودیت)**؛ مانند کارمندان دولت که فقط از ورود و مداخله در معاملات دولتی ممنوع هستند.

**الف-۲) ممنوعیت بیگانگان:** بیگانگانی که در قلمرو کشور دیگر فعالیت تجاری انجام می‌دهند سرمایه‌گذار خارجی تلقی می‌شوند و بسته به سیاست‌های دولتی ممکن است که اشتغال به نوعی تجارت برای بیگانگان آزاد یا ممنوع باشد. مثلاً قبل از انقلاب اسلامی، اشتغال به فعالیت‌های بیمه‌ای و بانکی برای بیگانگان مجاز بود اما با انقلاب اسلامی این آزادی از بین رفت تا اینکه با تصویب قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مجدداً امکان حضور بیگانگان در این صنعت فراهم شد. برای محدودیت بیگانگان می‌توان به این مورد اشاره کرد که اشتغال به تجارت برای اشخاص بیگانه در ایران می‌تواند منوط به مشارکت اشخاص ایرانی با سرمایه‌گذار خارجی باشد برای مثال در صنعت بیمه و قراردادهای نفت و گاز ایران چنین محدودیتی وجود دارد.

**ب- ممنوعیت‌های موضوعی:** منظور از این ممنوعیت لحاظ کردن یکسری محدودیت‌ها و ممنوعیت‌ها حسب **موضوع** تجارت است نه ویژگی‌های شخص تاجر. برای مثال فعالیت در صنعت اسلحه‌سازی خواه برای ایرانی خواه برای بیگانه ممنوع است و این نوع ممنوعیت به خاطر ویژگی‌های تاجر نیست بلکه به علت شرایط خاص فعالیت مذکور است.

**۱- دلالت در صورتی تاجر محسوب می‌شود که:** (ارشد سراسری - ۱۳۷۲)

الف) از اداره یا سازمان ذربط پرونده دلالتی اخذ کرده باشد.

ب) در رشته واحدی فعالیت داشته باشد.

ج) به‌کار دلالتی به عنوان شغل معمولی پرداخته باشد.

د) شغل دلالتی را در قالب بنگاه یا مؤسسه انجام داده باشد.

- ۲- صغیر چگونه می‌تواند در شرکت‌های سهامی سرمایه‌گذاری کند؟ (سردفتری - ۱۳۷۵)
- الف) با اذن ولی خود.  
 ب) توسط ولی خاص خود.  
 ج) توسط ولی خاص خود و با اجازه دادستان.  
 د) فقط توسط دادستان.
- ۳- کارمند دولت که در خارج از وقت اداری اشتغال به تجارت دارد: (وکالت - ۱۳۸۱)
- الف) تاجر محسوب می‌شود.  
 ب) به هیچ وجه تاجر محسوب نمی‌شود.  
 ج) در صورتی تاجر محسوب می‌شود که تجارت شغل اصلی او باشد.  
 د) در صورتی تاجر محسوب می‌شود که تجارت با شغل اصلی او منافات نداشته باشد.
- ۴- کدام یک از عبارات زیر در مورد اشتغال خارجیان به تجارت در ایران، صحیح است؟ (ارشد سراسری - ۱۳۸۴)
- الف) اتباع خارجه حق تجارت در ایران ندارند.  
 ب) اتباع خارجه فقط با مشارکت اتباع ایران می‌توانند به تجارت اشتغال یابند.  
 ج) اتباع خارجه بدون محدودیت، حق اشتغال به هر نوع تجارت در ایران دارند.  
 د) اتباع خارجه حق اشتغال به تجارت در ایران دارند مگر در زمینه‌هایی که منع خاص وجود دارد.
- ۵- مدیران شرکت‌های تجاری: (ارشد سراسری - ۱۳۸۴)
- الف) تاجر محسوب می‌شوند چون به نام خود عمل می‌کنند.  
 ب) تاجر محسوب نمی‌شوند چون به نام دیگری عمل می‌کنند.  
 ج) تاجر محسوب می‌شوند چون به نام خود و به حساب خود عمل می‌کنند.  
 د) تاجر محسوب نمی‌شوند چون به نام خود و به حساب دیگری عمل می‌کنند.
- ۶- کدام تعریف در مورد تاجر صحیح می‌باشد؟ (مشاوران حقوقی - ۱۳۸۶)
- الف) تاجر کسی است که شغل متعارف خود را انجام معاملات سود آور قرار دهد.  
 ب) تاجر شخصی است که شغل دائم خود را معاملات تجارتي سود آور قرار دهد.  
 ج) تاجر شخصی است که شغل معمولی خود را معاملات تجارتي قرار دهد.  
 د) تاجر کسی است که شغل معمولی خود را انجام انواع معاملات قرار دهد.
- ۷- نداشتن پروانه مانع از حکومت مقررات ..... . (ارشد سراسری - ۱۳۸۶)
- الف) حق‌العمل کاری قانون تجارت نیست اما دلال را از شمول مقررات دلالی خارج می‌کند.  
 ب) دلالی قانون تجارت نیست اما حق‌العمل کار را از شمول مقررات حق‌العمل کاری خارج می‌کند.  
 ج) دلالی و حق‌العمل کاری قانون تجارت است.  
 د) دلالی و حق‌العمل کاری قانون تجارت نیست.
- ۸- کدام یک از اشخاص ذیل تاجر نیست؟ (وکالت - ۱۳۸۷)

الف) دلال (ب) حق العمل کار (ج) کسبه جزء (د) قائم مقام تجاری  
 ۹- کدام یک از اشخاص ذیل تاجر نیستند؟ (ارشد آزاد- ۱۳۸۹)

الف) مدیرعامل یک شرکت تضامنی (ب) کارگزار بورس  
 ج) بیمه گر (د) انبار عمومی

۱۰- تاجری فوت نموده و تمام مال التجاره وی به فرزندش که صغیر است ارث رسیده و اموال مزبور توسط قیم اداره می شود. در اینجا چه کسی تاجر محسوب می شود؟ (ارشد آزاد- ۱۳۸۹)

الف) صغیر (ب) قیم  
 ج) نه صغیر نه قیم تاجر محسوب نمی شوند. (د) هر دو

پاسخنامه			
سؤال ۱: ج	سؤال ۲: الف	سؤال ۳: الف	سؤال ۴: د
سؤال ۵: ب	سؤال ۶: ج	سؤال ۷: د	سؤال ۸: د
سؤال ۹: الف	سؤال ۱۰: ج		

ماده ۲- معاملات تجاری از قرار ذیل است:

- ۱- خرید یا تحصیل هر نوع مال منقول به قصد فروش یا اجاره اعم از اینکه تصرفاتی در آن شده یا نشده باشد.
- ۲- تصدی به حمل و نقل از راه خشکی یا آب یا هوا به هر نحوی که باشد.
- ۳- هر قسم عملیات دلالی یا حق العمل کاری (کمسیون) و یا عاملی و همچنین تصدی به هر نوع تأسیساتی که برای انجام بعضی امور ایجاد می شود از قبیل تسهیل معاملات ملکی یا پیدا کردن خدمه یا تهیه و رسانیدن ملزومات و غیره.
- ۴- تأسیس و به کار انداختن هر قسم کارخانه مشروط بر اینکه برای رفع حوائج شخصی نباشد.
- ۵- تصدی به عملیات حراجی.
- ۶- تصدی به هر قسم نمایشگاه های عمومی.
- ۷- هر قسم عملیات صرافی و بانکی.
- ۸- معاملات برواتی اعم از اینکه بین تاجر یا غیر تاجر باشد.
- ۹- عملیات بیمه بحری و غیربحری.
- ۱۰- کشتی سازی و خرید و فروش کشتی و کشتی رانی داخلی یا خارجی و معاملات راجعه به آنها.

**نکته ۱-** در میان حقوقدانان تجارت، دو معیار در پاسخ به این سوال که قانون تجارت در باب چه مسئله ای است؟ وجود دارد. معیار اول، معیار شخصی است که حکایت از آن دارد که قانون تجارت قانون تجار است و به تنظیم رفتار تجار می پردازد. معیار دوم، معیار موضوعی است که حکایت از این مسئله دارد که قانون تجارت به منظور تنظیم فعالیتهای تجاری تدوین و تصویب گردیده است. در این راستا قانون گذار

در ماده ۱ تاجر را تعریف کرده، سپس در ماده ۲ ق.ت به احصاء معاملات تجارتي مبادرت ورزیده و نهایتاً در ماده ۳ به بیان شقوق معاملات تجاری تبعی پرداخته است. از این رو، قانون تجارت ایران با پذیرش معیار موضوعی (ماده ۲) و معیار شخصی (ماده ۳)، نظریه سومی را خلق کرده است که به آن نظریه مختلط گفته می‌شود.

**نکته ۲-** تجاری بودن معاملات تجاری مندرج در ماده ۲ ق.ت اعم است از آن که شخص تاجر دولتی باشد یا غیردولتی؛ «لذا ملی شدن بانکها تاثیری در اینکه طبق بند ۷ ماده ۲ ق.ت عملیات آنها را ذاتاً تجاری بدانیم، نداشته است» (عرفانی، محمود، ج ۱، ص ۴۶)

**نکته ۳-** ماده ۲ ق.ت به بیان معاملات تجاری ذاتی می‌پردازد و در باب اینکه ماده ۲ ق.ت حصری است یا تمثیلی، غلبه با حصری بودن ماده ۲ ق.ت است.

**نکته ۴-** تحصیل یعنی چه؟

۱. تحصیل باید ارادی باشد؛ لذا مالکیت مافی الذمه، تهاتر و اشتراک قهری که قهری هستند، نمی‌تواند تحصیل قلمداد گردد.

۲. تحصیل مانند حیازت مباحات، معاوضه و ... .

۳. تحصیل و خرید مال منقول (نه غیرمنقول) باید به قصد فروش یا اجاره باشد.

۴. حکم معاملات غیرمنقول در ماده ۴ ق.ت آمده است.

۵. ممکن است ابتدا مال منقول فروخته شود، سپس خریداری یا تحصیل شود. به عبارت دیگر تاجر می‌تواند قرارداد ببندد که فلان مال منقول را در موعد معین به خریدار یا مستاجر تحویل دهد، اما در زمان انعقاد قرارداد آن مال را نداشته باشد. در این صورت تاجر در موعد معین آن مال را تحصیل یا خریداری کرده و در اختیار خریدار یا مستاجر قرار می‌دهد.

**نکته ۵-** تصرف یعنی چه؟

۱. تصرف نباید چنان تاثیری در مال منقول خرید شده یا تحصیل شده بگذارد که ماهیتاً بین مال منقول قبل از تصرف و بعد از تصرف تفاوت وجود داشته باشد؛ برای مثال، اگر مجسمه سازی قطعه سنگی خریداری کند و با مهارت خود آن را به مجسمه‌ای هنری تبدیل کند، این امر تجارت محسوب نمی‌شود بلکه نوعی پیشه وری یا حرفه ورزی است.

۲. خرید چرم جهت تبدیل به کفش به قصد فروش عمل تجارتي منطبق با بند ۱ ماده ۲ ق.ت است. (ستوده تهرانی، حسن، حقوق تجارت، ج ۱، ص ۴۶) مبنای این نظریه را در تفکیک زیر بهتر می‌توان دید: الف) اگر شخصی با تاسیس کارخانه کفش دوزی به خرید چرم و سایر ملزومات کفش دوزی مبادرت ورزد به استناد بند ۴ ماده ۲ عمل تجارتي انجام داده است و تاجر خواهد بود.

ب) اگر شخصی بدون تاسیس کارخانه با خرید چرم و سایر ملزومات به کفش دوزی مبادرت ورزد، کسبه جزء است، تاجر خواهد بود و عمل وی تجارتي است.

ت) اگر کفش دوزی به خاطر رفع نیازهای مراجعه کنندگانش، مقداری چرم بخرد، هرچند که وی

کسبه جزء و در نتیجه تاجر تلقی می‌گردد اما خرید آن چرم و تصرف در آن عمل تجاری نیست.

**نکته ۶- منظور از مال منقول چیست؟** در پاسخ باید گفت که منظور از مال منقول، مطلق مال منقول اعم از مال منقول مادی و مال منقول غیر مادی مانند طلب است. لذا کسی که طلب وصول نشده دیگران را با احتساب نرخ تنزیلی خریداری می‌کند و به نام و حساب خود به وصول آنها مبادرت می‌ورزد تاجر است. به عنوان مثال احمد ۱۰ میلیون تومان از شخصی طلبکار است اما موعده آن ۶ ماه دیگر است و وی نمی‌تواند تا موعد منتظر بماند. احمد می‌تواند فی الحال طلب خود را به مبلغ ۸ میلیون تومان به کاوه بفروشد. در این صورت، کاوه سر موعد با عنوان طلبکار به بدهکار رجوع خواهد کرد و مبلغ ۱۰ میلیون تومان دریافت خواهد کرد و مابه التفاوت ۲ میلیون تومانی منفعت تجاری کاوه خواهد بود.

**نکته ۷- تصدی یعنی چه؟** حقوقدانان برای تصدی دو معیار ارائه کرده اند. معیار اول آن است که تصدی باید در قالب تشکیلات و موسسه باشد و معیار دوم آن است که تصدی استمرار و تکرار داشته باشد. در میان این دو معیار، معیار اول دارای وجه تمیز دهندگی (وجه ممیزه) بیشتری است.

**نکته ۸-** در تصدی به حمل و نقل باید متذکر شویم که تاجر، شخص متصدی است نه مامور حمل و نقل.

**نکته ۹-** طبق بند ۲ ماده ۲ ق.ت. تصدی به حمل و نقل معنای عامی دارد و شامل حمل و نقل مسافر و بار است اما قانون تجارت در باب هشتم (باب قرارداد حمل و نقل) صرفاً حمل و نقل بار را مشمول قانون تجارت دانسته است آن هم اگر توسط اداره پست انجام نگرفته باشد (ر.ک. ماده ۳۹۴)

**نکته ۱۰-** به موجب ماده ۴ ق.ت. معاملات غیرمنقول به هیچ وجه تجاری نیست اما طبق ماده ۲ ق.ت. دلالی و بیمه ذاتاً تجاری هستند؛ لذا اگر موضوع دلالی و مال بیمه شده، مال غیرمنقول باشد، ظاهراً بین مواد قانون تجارت تعارض وجود دارد. این تعارض به راحتی قابل رفع است به این معنا که اولاً منظور از معاملات غیرمنقول انحصاراً عبارت است از ساخت (ساختمان)، تامین مالی ساخت، خرید و فروش و اجاره پس طبق ماده ۵ قانون تملک آپارتمانها صرفاً ساختمان خانه و آپارتمان و محل کسب به منظور سکونت یا پیشه یا اجاره یا فروش، عمل تجاری ذاتی است؛ ثانیاً موضوع دلالی و بیمه تاثیری در ذات عملیات دلالی و بیمه‌گری که عملی تجاری است ندارد؛ لذا دلالی و بیمه‌گری معاملات اموال غیرمنقول ذاتاً تجاری است و ثالثاً برای دلالی معاملات ملکی (همان اموال غیرمنقول) طبق ماده ۷ قانون دلالان مصوب ۱۳۱۷ پروانه دلالی صادر می‌گردد. از این رو، اگر موضوع معاملات تجاری ذاتی، مال غیرمنقول باشد، تأثیری در تجاری بودن معامله مذکور ندارد.

**نکته ۱۱-** حق العمل کار کسی است که به نام خود اما به حساب دیگری معامله می‌کند و به ازای آن حق العمل (کمیسسیون) دریافت می‌کند. رابطه حق العمل کار در مقابل امر اصولاً مشمول قانون تجارت است و در مواقع سکوت قانون تجارت مشمول قانون مدنی باب وکالت است اما رابطه حق العمل کار با طرف معامله مشمول قانون تجارت است و در مقام سکوت قانون تجارت، بعید است که بتوان به قانون مدنی باب وکالت رجوع کرد؛ چرا که حق العمل کار در مقابل طرف معامله اصیل است نه نماینده.

**نکته ۱۲-** نمایندگی تجارتي بر دو قسم است: نمایندگی تام و نمایندگی ناقص. نمونه بارز نمایندگی تام، وکالت است که وکیل به نام و به حساب موکل فعالیت می‌کند مانند مدیران شرکت‌های تجاری. نمونه بارز نمایندگی ناقص، حق‌العمل‌کاری است که حق‌العمل‌کار به نام خود ولی به حساب دیگری فعالیت می‌کند.

**نکته ۱۳-** در قانون تجارت سه اصطلاح هم‌خانواده بکار رفته که تفکیک بین آنها لازم است:

**۱. کارخانه:** این اصطلاح در قانون تجارت تعریف نشده است ولی قطعاً می‌توان گفت که برخلاف شرکت، فی‌نفسه دارای شخصیت حقوقی نیست.

**۲. تجارتخانه:** این اصطلاح نیز تعریف نشده است ولی قواعد بیشتری در باب چگونگی اداره آن وجود دارد که در باب قائم مقامی آمده است. تجارتخانه همانند کارخانه فاقد شخصیت حقوقی است.

**۳. شرکت:** این تاسیس حقوقی دارای شخصیت حقوقی است و بسته به نوع آن ممکن است دارای سازماندهی پیچیده یا ساده باشد.

#### **نکته ۱۴- ماهیت حراجی، مناقصه و مزایده چیست؟**

**۱. حراجی، مزایده و مناقصه** به استناد قانون محاسبات عمومی و قانون برگزاری مناقصات در معاملات دولتی بکار گرفته می‌شود؛ لذا ادعای آن دسته از حقوقدانان که معتقدند حراجی مورد استفاده بخش دولتی نیست صحت ندارد (ر.ک. ماده ۸۲ قانون محاسبات عمومی)

**۲. طبق بند الف ماده ۲ قانون برگزاری مناقصات:** «مناقصه فرایندی است رقابتی برای تأمین کیفیت مورد نظر (طبق اسناد مناقصه)، که در آن تعهدات موضوع معامله به مناقصه‌گری که کم‌ترین قیمت متناسب را پیشنهاد کرده باشد، واگذار می‌شود.»

**۳. مزایده روشی رقابتی است برای فروش کالا یا خدمتی معین به بالاترین پیشنهاد قیمتی.**

**۴. باید توجه داشت که هم مزایده هم حراجی برای فروش کالا به بالاترین قیمت پیشنهادی است و در هر دو فرآیند مذکور قیمت مبنا وجود دارد با این تفاوت که قیمت مبنا در حراجی قابل نقض است اما قیمت مبنا در مزایده قابل نقض نیست. برای مثال اگر در حراجی یک اثر هنری قیمت پایه ۱۰۰ میلیون تومان باشد اما در فرآیند حراجی هیچ پیشنهادی به این حد نرسد مانع از آن نخواهد بود که اثر هنری مذکور فروخته شود ولی در مزایده این قیمت مبنا باید لحاظ شود و در صورتی که قیمت مبنا حاصل نشود، مزایده تجدید می‌گردد اما در مزایده مجدد، برآورده نشدن قیمت مبنا دیگر مانع نیست.**

**۵. بین عملیات حراجی و حراج که از جانب برخی مشاغل صورت می‌گیرد تفاوت وجود دارد. عملیات حراجی مستقلاً فعالیتی تجاری است در حالی که حراج نوعی فروش است که طبق قانون نظام صنفی نیازمند کسب مجوز است. برای مثال، صاحب یک مغازه‌ی کت و شلوار فروشی در پایان فصل به منظور نقد کردن اجناس خود مبادرت به حراج البسه خود می‌کند، در این حالت حراج به آن معنا است که شخص مذکور قصد دارد که اجناس خود را به قیمتی پایین‌تر از قیمت خرید بفروشد (در واقع ضرر می‌کند)، نه اینکه اجناس خود را به بالاترین قیمت پیشنهادی بفروشد، و این در حالی است که عملیات حراجی برای**